

سال نو مبارک

کمپین حمایت از کودکان والدین زندانی



به مناسبت
آغاز سال نو خورشیدی
1393

در این ویژه نامه می خوانید...

کودکان سرزمین من را به کجا می برید؟
یک پیشنهاد؛ از هدیه کریسمس تا هدیه نوروز

تهیه شده توسط کمپین حمایت از کودکان والدین زندانی

فروردین 1393



<https://www.facebook.com/kodakanemadaranpedarandarband?ref=hl>

<https://twitter.com/defazkoodak>

<http://www.flickr.com/photos/koodakanezendanian>

کودکان سرزمین من را به کجا می برید؟

در سرزمین من کودکانی هستند که هنوز به دنیا نیامده یا در شیرخوارگی، به دست پدران و مادران شان به قیمتی ناچیز پیش فروش و معامله می شوند.



کودکانی در خیابانند و در متروها پرسه می زنند، باید گل بفروشند، فال بفروشند و کنار ترازوهایشان، در تاریکی و نا امنی شب و بر روی زمین سرد مشق بنویسند و با اندک پولی به خانه های نداشته شان برگردند.

کودکانی راهی مدرسه می شوند تا درس بخوانند اما دستها و صورتهای کوچک و ظریفشان هیزم بخاری کلاس درس می شود و آرزوهای کودکی شان در آتش غفلت بزرگترها می سوزد.



کودکانی در زمین بازی زخمی مین می شوند. مینهایی که روزی پدرانشان را از آنها گرفت.

کودکانی در بستر بیماری اند. بعضی از باد کتکهای وحشیانه و داغی سیگار پدر، سیاه و کیودند و بعضی دیگر بدلیل تنگ دستی والدین یا مراکز نگهداری، نفس هایشان به شماره افتاده و قربانی مرگ اجباری اند.

کودکان دیگری، به جرم فرزند یک زندانی بودن، محکوم به حبس در قفسهای تنگ و تاریکند و یا مجبورند به تحمل سالها دوری از آغوش گرم پدر و مادر.



کودکانی بی سرپرست، ایزارمی شوند. ایزاری برای برانگیختن احساسات مردم و طاهرسازی های خیرخواهانه و کودکان دیگری هستند که غرق در دنیای بچگی اند اما روزی قرار است طعمه حرص و هوس قانونی سرپرستان خود شوند.



و در این میان کودکانی با مرگ بازی می کنند. بازی فاجعه بار و خشونت آمیزی که با بزرگترهایشان به تماشا نشسته اند. بازی اعدام!

فریاد و فریاد و فریاد از ظلم و بیداد بی حدی که امروز نصیب کودکان بی پناه شده است و کسی نمی داند فردا کودکان سرزمین من را به کجا قرار است ببرند؟ ... به کجا؟ ...

کمپین حمایت از کودکان والدین زندانی

یک پیشنهاد؛ از هدیه کریسمس تا هدیه نوروز

کودکان زندانیان ایالات متحده آمریکا، در مناسبت های خاص مانند عید کریسمس تنها نمی مانند. موسسه های خیریه، کلیساها و برخی گروه های داوطلب برنامه هایی را برای این دسته از کودکان تدارک می بینند تا شاید بتوانند جای خالی پدر یا مادر زندانی را در روزهای تعطیلات پر کنند. یکی از این برنامه ها ارسال پستی هدایای بسته بندی شده برای نوزادان شیرخوار تا فرزندان 18 ساله زندانیان دریند یا زندانیان تازه آزاد شده است. برخی موسسات، هدایا را به انتخاب خودشان خریداری می کنند و برخی دیگر با ارائه کاتالوگهای اسباب بازی از پدر یا مادر زندانی می خواهند تا هدیه مورد نظرش را انتخاب کند.

بسته های هدیه بدون آنکه نشانی از موسسه مورد نظر داشته باشند، همراه با یک نامه از طرف والدین زندانی به کودک تحویل داده می شوند. کودک با دریافت آن اطمینان پیدا می کند که پدر و مادرش او را فراموش نکرده اند و هنوز برای آنها مهم و ارزشمند است. قصد اصلی گروه های داوطلب از چنین اقداماتی، برآورده کردن بخش کوچکی از خواسته ها و رؤیاهای کودکان زندانیان در تعطیلات سال نو است. یکی از



معروفترین موسسات در این زمینه موسسه OAR است که در پروژه "فرشته کریسمس" چنین خدماتی را به خانواده زندانیان ارائه می دهد. نمونه دیگر از این گروههای غیر انتفاعی Lubbock نام دارد، دوچرخه سوارانی که با کودک آزاری مبارزه می کنند. هر سال چند روز قبل

از کریسمس حدود 75 دوچرخه سوار در کلیسا جمع می شوند و پس از آماده سازی هدایا، راهی 9 مسیر مختلف می شوند و تا آخر روز بیش از 300 هدیه را توزیع می کنند. یکی از این دوچرخه سواران می گوید: "ما در این باره داستان های غم انگیزی برای تعریف کردن داریم که اشک تان را در خواهد آورد، با این وجود، لبخند هریک از این کودکان و محبتی که میان آنها و پدران و مادرانشان وجود دارد، غیر قابل توصیف است."



برخی گروه ها، کودکان زندانیان را به یک مهمانی دعوت می کنند و علاوه بر توزیع هدایا، آنها را با برنامه هایی مثل نقاشی صورت، کاردستی،

عصرانه و عکس با بابانوئل، چند ساعتی سرگرم می کنند.

نمونه دیگر پروژه "پیغام اوکلاهاما" نام دارد. در این برنامه پدر یا مادر زندانی این امکان را دارد تا 15 دقیقه در مقابل دوربین فیلم برداری قرار بگیرد و با کودک خود مکالمه کند. بیشتر مادران از این فرصت استفاده می کنند تا عید را به فرزندان کوچکشان تبریک بگویند، برای آنها کتاب قصه بخوانند و به نوعی در خانه هایشان حضور داشته باشند. این پروژه هیچ هزینه ای برای زندان یا فرد زندانی ندارد و به شکل خیریه انجام می شود.

و اما در ایران. خیریه کم نداریم. افراد مشتاق بسیاری هم هستند که بی شک از چنین پیشنهادی به گرمی استقبال خواهند کرد و کودکان زندانیان هم که تا حد زیادی شناخته شده هستند. فقط می ماند یک اجازه. آیا مسئولان زندانها و نهادهای مربوطه، چنین فضایی را ایجاد خواهند کرد تا اینگونه کمک رسانی های حداقلی در مورد کودکان داخل و خارج زندان صورت بگیرد؟ آیا فعالان حقوق بشر و حقوق کودک و خیرین این مصونیت را دارند تا آستین ها را بالا بزنند و به میدان بیایند و لبخندی بر لب کودکان زندانیان بنشانند و همچنان برچسب مجرم و برانداز و اقدام به تشویش اذهان به آنها زده نشود؟!

... به امید روزی که اولین سین از هفت سین کودکان زندانیان،

« سایه » پرمهر پدر و مادر باشد.